

# « انترناسیونالیسم لیبرالیستی » یا حمایت از ارتجاع جهانی ؟

( بررسی دخالتها و تاثیرات ایالات متحده آمریکا در مناطق مختلف جهان )  
بخش اول : خاور میانه

نئوکانهایی جوان اعتقاد دارند : "چپ و اسلام سیاسی در ایران دچار این همانی گفتمانی هستند . هر دو یک چیز را می خواهند و هر دو به یکسو می روند . مساله تنها این است که چه کسی می بایست مجری این برنامه باشد ... " (1) ، "تمام نیروهای دموکراسی خواه می بایست ارتجاع رادیکال و بنیادگرایی مذهبی را در کنار هم به عنوان دشمن استراتژیک خود بشناسند ." (2) ، "روشنفکران چپ بن لادن را تطهیر می کنند." (3) و بلاخره یک اظهارنظر کاملا "مودبانه " و "عمیق " از جانب سردبیر تازه از راه رسیده ارگان نئوکانهایی جوان : " تحریریه تلنگر بر این اعتقاد است که هم خوابی مارکسیسم لنینیسم و اسلام سیاسی تندرو ، که نتیجه آن تولد طفل نامشروع خشونت ورزی و آزادی ستیزی بوده است . طی پنج دهه اخیر فرصت ایجاد یک جریان سیاسی فکری لیبرال ، توسعه گرا و مترقی را از جامعه ایران گرفت . چپگرایان لبریز از حس کینه و خشونت ، دوشادوش بنیادگرایان تا بن دندان جاهل و متعصب در اتحادی نانوشته با جریان هاییدگر دوست ، لیبرالیسم را به ناسزا بدل کردند ... " (4)

از سوی دیگر دانشجویان نئوکان در راستای طرح ناشیانه و ناپخته بدیل سازی همه جانبه در مقابل چپ و به هیات یک جریان "رادیکال" درآمدن ، به جعل اصطلاحی با عنوان " انترناسیونالیسم لیبرالیستی " پرداخته و یکی از وسایل اصلی این گونه "انترناسیونالیسم" را اعتقاد به "برخورداری تمام موجودات بشری از حقوق یکسان صرفنظر از نژاد و آیین و پیش زمینه اجتماعی و ملیت " و "حق تعیین سرنوشت تمام ملتها در تعیین سرنوشتشان " با تاکید بر "لزوم کنترل نمودن رفتار کشورهای دیکتاتور و تمامت خواه با شهروندان خود " به واسطه "تذکرات بین المللی" می دانند.(5) ما فعلا کاری نداریم که عبارت مجعول " انترناسیونالیسم لیبرالیستی " اسب تروای حامل کدام سیاستهای واقعی در عرصه بین المللی بوده و هست و چه نتایجی نیز تا کنون به همراه داشته است . ما هم مانند نویسنده فرض می کنیم که یک جریان بین المللی به رهبری "جهان آزاد " و قطبهای لیبرالیسم جهانی و نهادهای بین المللی وجود داشته و دارند که فاعلین این "تذکرات" می باشند و از حقوق یکسان تمام ابناء بشر در مقابل "کشورهای دیکتاتور و تمامت خواه " و "جریانهای ارتجاعي" حمایت کرده و می کنند . (6) حرکت بعدی جوانان نئوکان حرکت مشخصتر و پرمعناتری است و این تحرکات معمولاً از جانب سردبیر تازه کار ، عجول و پرهیجان نشریه ارگان نئوکانسرواتیسم در دانشگاه تهران سر می زند . ایشان که گویا نوشته های خود را پس از تماشای تیزرهای تبلیغاتی رماتیک و اروتیک به نگارش در می آورند در یادداشتی که در آن به تبیین سیاستهای جدید نشریه می پردازند ، می نویسند : " از عشق تا نفرت ! ، آمریکا : مقصد و مقصود هر مهاجر ، آمریکا : هدف و سیل هر تروریست ، آمریکا : مرجع اعتراض هر روشنفکر جهان سومی . آمریکا اما چگونه آمریکا شد ؟ ... اگر دخالت آمریکا در بحرانهای قرن بیستم از جنگهای جهانی تا جنگ سرد نبود ، اکنون کره زمین چه چهره ای داشت ؟ به راستی جهان بدون آمریکا چگونه جهانی بود ؟ آیا بدون آمریکا جهان را رهایی ا کابوس از کابوس مشت آهنین فاشیسم و پرده پولادین کمونیسم ممکن می شد ؟ ... آمریکا را باید دید ، شناخت و پیرامون آن اندیشه کرد ... تلنگر از این شماره پای در این مسیر نهاده است... به این سوال بیاندیشید : جهان بدون آمریکا چگونه جهانی بود ؟ ... " (7)

نشریه "طلوع" از همین شماره نخست خود بر آن است که به فراخوان سردبیر نشریه نئوکانهایی جوان پاسخ مثبت داده و از منظر خود سؤالاتی از این دست را در قالب سلسله مقالاتی پاسخ گوید و از خلال این بررسی و پاسخگویی به صحت و سقم مدعاهای دیگر این جریان - که در بالا به برخی از آنها اشاره شد و محتوای اصلی تبلیغات و پروپاگاندا جاری آنان و مرشدانشان را علیه چپ تشکیل می دهند - بپردازد. اگر بخواهیم به ادبیات قابل فهم برای "تحریریه تلنگر" سخن بگوییم ، قصد ما بازگرداندن این فیلم پرسوز وگداز به عقب به منظور بازبینی صحنه هایی است که در نتیجه آنها "طفل " بی کس و سرگردان انتهای فیلم پا به دنیا می گذارد و نیز بررسی اینکه آیا ناکامی "لیبرالیسم" در ایجاد نطفه جریانی "توسعه گرا" و "ترقی خواه" نتیجه مخنث یا عقیم بودن خودش است و یا مشمول حکم "طفل نامشروع و ناخواسته را به گردن یکی دیگر انداختن" می گردد .

قصه ما در این سلسله مقالات و در این پرونده ، بررسی کارنامه " انترناسیونالیسم لیبرالیستی " به سرکردگی ایالات متحده آمریکا در مناطق مختلف جهان در شصت سال گذشته می باشد . ما در این مجموعه به منظور پاسخ گفتن به فراخوان سردبیر نشریه ارگان نئوکانهایی دانشگاه به تحقیق پیرامون این مسایل خواهیم پرداخت که : " با دخائنهایی آمریکا در بحرانهای قرن بیستم از جگ جهانی تا جنگ سرد ، جهان چه چهره ای به خود گرفته است ؟ " ، " جهان با آمریکا به چه چیزی بدل شده است ؟ " و خلاصه " دیدن " ، " شناختن " و اندیشه کردن پیرامون آمریکا " است و مطالعه تاثیرات این کشور و "انترناسیونالیسم لیبرالیستی " تحت رهبری او در پیشبرد آرمانهای " برخورداری تمام موجودات بشری از حقوق یکسان صرفنظر از نژاد و آیین و پیش زمینه اجتماعی و ملیت " و "حق ملتها در تعیین سرنوشتشان " و محدود ، کنترل و نابود نمودن "حکومتهای دیکتاتور و تمام خواه " و " جریانات ارتجاعی " در اقصی نقاط جهان . روش کار ما در این مطالعه به نقل و گزارش فاکتها و روایتهای مستند تاریخی در مقابل امواج بوق و دروغ نئوکانهایی استوار است . همانطور که در جایی دیگر و به بهانه ای دیگر گفتیم ما نه منابع مالی و حامیانی مانند نئو کانهایی در اختیار داریم و نه دستگاههای عظیم تبلیغاتی در سطح بین المللی و مادیای جهانی که تحریفات بی آرم تاریخی با سوار شدن بر آن به پیش فرضهای ثابت اذهان بخش عمده ای از مخاطبان معمولی بدل گشته و می گردند اما می توانیم در چیزهای مهمتری اسراف به خرج دهیم : پایبندی به حقایق تاریخی مضبوط و روشهای صحیح علمی در بررسی و ارائه . ما عمدتا در سطح روایت واقعیتهای تاریخی به شکل منظم و طبقه بندی شده باقی خواهیم ماند و جز به ضرورت وارد سطوح انتزاعی تر و تحلیلی تر و موضوعات و تئورهای مهمی که این سطح از بحث را می طلبند نخواهیم شد و بحث پیرامون آنها را به فرصتهای دیگر وامی گذاریم .

در گام اول و در نخستین قسمتهای این سلسله مقالات ما طبیعتا به بحث پیرامون منطقه خاورمیانه خواهیم پرداخت و به دلایلی ذکر آنها در بالا آمد از میان طیف گسترده مسایل قابل بحث در این رابطه ، به طور مشخص به بسترهای شکل گیری بنیادگرایی اسلامی ، نسبت آن با جریانات چپ و ناسیونالیسم سکولار ، نقش آمریکا در تحولات منطقه در دوره تاریخی مذکور (شصت سال گذشته ) و ارتباط آن با شکل گیری جریان بنیادگرایی اسلامی خواهیم پرداخت و به علاوه سعی می کنیم به مهمترین بخش تبلیغات نئوکان مبتنی بر "همراهی تاریخی چپ و بنیادگرایی اسلامی " به طور خاص توجه کنیم و یا با تعبیر قابل درک برای "تحریریه تلنگر" با یک سونوگرافی تاریخی به گونه شناسی موالید "انترناسیونالیسم لیبرالیستی " و سرکرده آن ، آمریکا در این دوره و در این منطقه بپردازیم و تاثیرات عینی و تاریخی آن را بر موضوعاتی نظیر " شکل گیری خشونت و آزادی ستیزی " و " توسعه گرایی " و " ترقی خواهی " و زندگی مردم کشورهای این منطقه مورد مذاقه قرار دهیم .

در بخشهای مربوط به خاورمیانه ، ما کتاب مشهور روزنامه نگار و محقق برجسته آمریکایی " رابرت دریفوس " ( Robert Dreyfuss ) تحت عنوان " بازی شیطان : چگونه ایالات متحده آمریکا به فعال شدن اسلام بنیادگرا کمک کرد ؟ " (2005) (8) را که در مدتی کوتاه به مرجع معتبر و پرآوازه ای در بررسی موضوعات مربوط به استراتژی منطقه ای آمریکا بدل گردیده است را به عنوان منبع اصلی و پایه ای برای تهیه مطالب این قسمت مورد استفاده قرار خواهیم داد و گزارشها و بحثهای مربوط به سیاستهای آمریکا و "انترناسیونالیسم لیبرالیستی " متبوعه در خاورمیانه را حول محور محتویات این کتاب به پیش خواهیم برد .

عنوان کتاب خود تا حد بسیاری نشان دهنده محتویات و جهت گیریهای آن می باشد . رابرت دریفوس شخصا نه کمونیست است و نه در دوران جنگ سرد از حامیان بلوک شرق بوده است . او تنها خود را یک روزنامه نگار مستقل و حقیقت جو می داند که حدود پانزده سال است به طور مداوم در حیطه های مربوط به سیاست و امنیت ملی آمریکا کار کرده است . او در حیطه کاری خود فرد معتبر و شناخته شده ای است و این را از پروژههایی که تا کنون به انجام رسانده ، جایزه هایی که موفق به دریافت آنها شده و رنامه های تلویزیونی و رادیویی که در آنها شرکت داشته می توان دریافت . وی در جراید معتبری نظیر "چشم انداز آمریکا" (American Prpspect) ، "نیشن" (The Nation) ، "مادر جونز" (Mother Jones) و بسیاری نشریات دیگر قلم می زند. خود او اعتقاد دارد که شهرتش مدیون مقالات تکان دهنده ای است که در رابطه با جنگ عراق ، "جنگ بر علیه تروریسم" و سیاست خارجی آمریکا بعد از 11 سپتامبر به نگارش در آورده است . وی در سال 2002 اولین روزنامه نگاری بود که مقاله ای در خصوص پرونده "احمد چلبی " در "چشم انداز آمریکا " منتشر نمود. او در همان سال نخستین تحلیلها را پیرامون اختلافات بین سیا و پنتاگون بر سر سیاستهای جنگی ارائه نمود. مقالات دیگر او در نشریه مذکور به بحثهایی پیرامون نقشه های جنگی نئو کانسرواتیوها در راستای طرح "خاورمیانه

جدید" اختصاص داشت. او در نشریه "مادر جونز" مقاله ای تحت عنوان " کارخانه دروغ " به چاپ رساند که کاملترین گزارش در خصوص ارائه اطلاعات گمراه کننده و دروغ در رابطه با عراق از سوی اداره عملیاتی ویژه پنتاگون می باشد. او فارغ التحصیل دانشگاه کلمبیا و عضو جامعه روزنامه نگاران و نویسندگان آمریکا (ASJA) می باشد . (9)

خود او کتاب "بازی شیطان" را اینگونه معرفی می کند : " من "بازی شیطان" را به منظور پر کردن خلاء عمیقی که در میان میلیونها کلمه ای که تا کنون در خصوص رابطه بین آمریکا و اسلام سیاسی نوشته شده است وجود دارد ، به نگارش در آورده ام . این کتاب روایت داستانی مقدم بر سایر داستانهاست و به ما کمک می کند که به این سوال پاسخ دهیم که " ما چگونه در این باتلاق گرفتار آمدیم ؟ " من فکر می کنم بخشی از پاسخ در خود سوال وجود دارد . حداقل به مدت نیم قرن آمریکا و متحدینش به جریانی که من "راست اسلامی" نامگذاری می کنم بمثابة متحدان و شرکای نزدیک خود می نگریستند. رویکرد من در این کتاب نه رویکردی تاریخ نگارانه که رویکردی روزنامه نگارانه بوده است . قسمتهای عمده ای از این کتاب بر مبنای مصاحبه با افرادی وابسته به اداره های دولتی ، سیا ، ارتش آمریکا و سایر بخشهای ویژه ای که در این حوادث شرکت داشته اند تنظیم شده است. این تحقیق همچنین بر مطالعه بسیاری از آثار تا کنون منتشر شده در این رابطه متکی است . منابعی که من از آنها صحبت می کنم یا به شکل ضبط شده موجود است و یا در پانویسها به آنها اشاره شده است .

برای کسانی که نگران وقایع مصر، سوریه، پاکستان، و سایر مناطق خاورمیانه و جنوب آسیا می باشند ،... حداقل بخشی از دلایلی که توضیح دهنده نحوه شکل گیری این وقایع بوده اند در "بازی شیطان" یافت می شود. برای کسانی که از گستره جهانی سیستم حامی جنبش بن لادن در تعجب هستند ، حداقل به بخشی از زمینه هایی که این سیستم در بطن آن شکل گرفت ، در این کتاب اشاره شده است.

امروزه صحبت در باب "نبرد تمدنها" رواج زیادی یافته است. اما من در "بازی شیطان" نشان می دهم که در دهه های قبل از 11 سپتامبر فعالین خشک مغز و نهادهای بنیادگرایی اسلامی به دو دلیل بمثابة متحدین و شرکای نزدیک آمریکا و غرب نگریسته می شدند : نخست به دلیل ضد کمونیست بودنشان و در وهله بعدی به دلیل آنکه مخالف ناسیونالیستهای سکولاری نظیر جمال عبدالناصر در مصر بودند ... " (10)

گزارش و کندوکاوهای تاریخی ما در این سلسله مقالات بر حقایق تاریخی متکی هستند. جعلیات و تحریفات تاریخی حتی اگر توسط "کارخانه های دروغ" هم ساخته شده باشند ، در مقابل حقیقتی که به نیروی مادی و اجتماعی ای هرچند کوچک بدل گردد ، تاب مقاومت نخواهد داشت و به دلیل تناقضات درونی خود تکه پاره خواهد شد. آنانکه قصد مقابله با موج و مشت کوبنده حقایق و فاکتورهای تاریخی را دارند ، باید از قبل تخته پاره ای برای نجات و سرمایه ای برای ترمیم دندانهایشان تدارک ببینند.

ادامه دارد .....

## پانویسها :

1- نشریه دانشجویی تلنگر، آذر و دی ماه 1385 ، صفحه 19. این مساله یعنی ادعای " همسویی سوسیالیسم و بنیادگرایی اسلامی " با ارجاع به سیاست خارجی دولتهای پوپولیستی آمریکای لاتین در قبال دول ایران و آمریکا به یکی از محورهای اصلی کمپین تبلیغاتی ضد کمونیستی حتی در ابعاد بین المللی بدل گشته است .

2- همان، صفحه 1

3- همان، صفحه 19

4- نشریه دانشجویی تلنگر، فروردین 1386، صفحه 3

5- نک شماره 1، صفحه 36

6- جهت یادآوری ذکر می شود که یک مورد از اعمال این "حق تذکر" توسط "جامعه بین المللی" به "حکومتها دیکتاتور" بر طبق اصول "انترناسیونالیسم لیبرالیستی" در عراق ، تا کنون منجر به بیکاری 40 درصد مردم این کشور، آوارگی 4 میلیون نفر از مردم ، محروم ماندن یک سوم کودکان از سیستم

آموزشي ، فلج كامل سيستم بهداشتي و كشته شدن بيش از 650 هزار نفر شده است . ( نك  
روزنامه اعتماد ، 28 مرداد 1386 ، صفحه 3 )  
7- نك شماره 4

8- Dreyfuss, Robert *Devil's Game: How the United States Helped Unleash Fundamentalist  
Islam*. Metropolitan Books, 2005  
اين كتاب توسط آقاي فريدون گيلاني به فارسي ترجمه شده است. (نك [www.f-gilani.com](http://www.f-gilani.com))

9-[www.robertdreyfuss.com/bio](http://www.robertdreyfuss.com/bio)

10-[www.robertdreyfuss.com/thebook](http://www.robertdreyfuss.com/thebook)

